

حقیقت چیست؟ - شماره چهار

دلتن مضطرب نشود

Jeff Pippenger

2023-09-09

در آغاز تاریخ جنبش میلری در سال ۱۷۹۸، رؤیای رود اولای در کتاب دانیال مهر آن گشوده شد و افزایش معرفتی پدید آورد که دو دسته پرستندگان را آزمود و آشکار ساخت. رؤیای اولای نمایانگر پیام درونی برای قوم خداست؛ پیامی که در هفت کلیسای مکاشفه، فصل‌های دوم و سوم، بازنمایی شده است. در پایان تاریخ نبوی که از سال ۱۷۹۸ آغاز شده بود، در اجتماع اردوگاهی اکستر از ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴، پیام فریاد نیمه‌شب از مهر گشوده شد؛ زمانی که شیر قبیله یهودا دست خود را از روی حقیقتی پنهان برداشت، و این امر افزایش معرفتی پدید آورد که دو دسته پرستندگان را آزمود و آشکار ساخت.

در سال ۱۹۸۹، هنگامی که مطابق آنچه در دانیال باب یازدهم، آیه چهل، توصیف شده است، کشورهایی که نماینده اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند به وسیله پاپیت و ایالات متحده رفته شدند، رؤیای رود هیدکل در کتاب دانیال مهرش گشوده شد و افزایش معرفتی پدید آورد که دو طبقه از پرستندگان را آزمود و آشکار ساخت. رؤیای هیدکل نمایانگر پیام بیرونی دشمنان قوم خدا است، چنان‌که به وسیله هفت مهر در کتاب مکاشفه نشان داده شده است. در پایان تاریخ نبوی که در ۱۹۸۹ آغاز شد، از دو هفته پایانی ماه ژوئیه ۲۰۲۳، شیر قبیله یهودا با برداشتن دست خود از حقیقتی پنهان روند گشودن مهر پیام فریاد نیمه‌شب را آغاز کرد؛ روندی که افزایش معرفتی پدید می‌آورد که در حال آزمودن است و در نهایت دو طبقه از پرستندگان را در میان قوم خدا آشکار خواهد ساخت.

در آیه نخست از فصل چهاردهم انجیل یوحنا، مسیح شاگردان را تشویق می‌کند که دل‌های خود را مضطرب نسازند.

دل شما مضطرب نشود؛ به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان داشته باشید. یوحنا ۱:۱۴.

در عرض چند ساعت، مسیح دستگیر شد و اندکی پس از آن به صلیب کشیده شد، دفن شد و از مردگان برخاست. پس از اینکه به نزد پدر عروج کرد، به نزد شاگردانش بازگشت.

و هنگامی که چنین سخن می‌گفتند، عیسی خود در میان ایشان ایستاد و به ایشان گفت: سلام بر شما باد. اما ایشان ترسان و هراسان شدند و گمان بردند که روحی دیده‌اند. و به ایشان گفت: چرا مضطربید؟ و چرا اندیشه‌ها در دل‌های شما برمی‌خیزند؟ لوقا ۲۴:۳۶-۳۸.

نخستین سرخوردگی در یک خط اصلاح زمانی رخ می‌دهد که قوم خدا حقیقتی را که قبلاً آشکار شده بود فراموش می‌کنند. شاگردان فراموش کرده بودند آنچه را که عیسی کمتر از یک هفته پیش از آنکه ترس و نومیدی‌شان در بحران صلیب آشکار شود به آنان گفته بود. پس از نخستین سرخوردگی، زمانی از درنگ فرا می‌رسد که در مثل ده باکره با غیبت داماد نشان داده شده است. عیسی به صراحت به شاگردان گفته بود که نزد پدر خود می‌رود، اما باز خواهد گشت. پیش‌آگاهی‌ای که او به شاگردان داده بود مانع نشد که آنان مغلوب آن بحران شوند. در زمینه مثل ده باکره، بحران جایی است که شخصیت آشکار می‌شود، اما هرگز پرورش نمی‌یابد. عیسی شاگردان را برگزیده و منصوب کرده بود و همان حقیقت را پیش از بحران به آنان گفته بود.

شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و شما را منصوب کردم تا بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند، تا هرچه به نام من از پدر بخواهید، به شما عطا کند. یوحنا ۱۵:۱۶.

با این حال، با وجود اینکه برگزیده شده بودند، این امر مانع از غلبه بحران بر آنها نشد.

منش در بحران آشکار می‌شود. هنگامی که در نیمه‌شب ندایی جدی بانگ برآورد: «اینک داماد می‌آید؛ بیرون روید به استقبال او»، دوشیزگان خفته از خواب برخاستند و آشکار شد چه کسی برای آن رویداد تدارک دیده است. هر دو دسته غافلگیر شدند، اما یکی برای تنگنا آماده بود و دیگری بی‌تدارک یافت شد. منش به وسیله شرایط آشکار می‌شود. تنگناها عیار راستین منش را آشکار می‌کنند. حادثه‌ای ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده، داغی یا بحرانی، بیماری یا رنجی غیرمنتظره، چیزی که جان را رودررو با مرگ می‌نشانند، درون‌مایه راستین منش را برملا خواهد کرد. آنگاه آشکار می‌شود که آیا ایمانی راستین به وعده‌های کلام خدا هست یا نه. آشکار می‌شود که آیا جان از فیض نیرو می‌گیرد یا نه، آیا در ظرف، برای چراغ، روغنی هست یا نه.

روزهای آزمون برای همه فرا می‌رسد. در برابر آزمون و سنجش خدا چگونه رفتار می‌کنیم؟ آیا چراغ‌هایمان خاموش می‌شوند؟ یا هنوز آنها را روشن نگه می‌داریم؟ آیا با پیوند با او که سرشار از فیض و راستی است، برای هر پیشامدی آماده‌ایم؟ پنج باکره دانا نمی‌توانستند شخصیت خود را به پنج باکره نادان منتقل کنند. شخصیت باید به صورت فردی توسط خود ما شکل بگیرد. ریویو اند هرالد، ۱۷ اکتبر ۱۸۹۵.

مکاشفه عیسی مسیح که در آیات آغازین کتاب مکاشفه معرفی شده است، پیام هشدار نهایی به کلیسا و سپس به جهان است. آن مکاشفه اندکی پیش از پایان دوره آزمون به دست شیر قبیله یهودا، که در باب پنجم کتاب مکاشفه به عنوان یگانه شایسته گشودن کتاب مهر و موم شده معرفی شده است، گشوده می‌شود.

و یکی از مشایخ به من گفت: گریه مکن؛ اینک، شیر قبیله یهودا، ریشه داوود، غلبه کرده است تا کتاب را بگشاید و مهرهای هفت‌گانه آن را بگشاید. مکاشفه ۵:۵.

شیر قبیله یهودا همچنین «ریشه داوود» است، و نیز «پسر داوود» و همچنین «خداوند داوود» است. ارتباطی که به وسیله شیر قبیله یهودا نمایانده شده، نشان می‌دهد که وقتی شیر قبیله یهودا حقیقتی را مهر می‌کند یا مهرش را می‌گشاید، این کار را با به‌کارگیری قاعده ذکر نخستین انجام می‌دهد؛ قاعده‌ای که پایان یک چیز را از طریق آغاز آن چیز شناسایی می‌کند، چنان‌که در عیسی به عنوان «ریشه داوود» نمایانده شده است. وقتی حقیقتی در «یک» زمان پایان گشوده می‌شود، فرایند تطهیر آغاز می‌گردد، چنان‌که در دانیال دوازده نمایانده شده است.

این شیر قبیله یهودا بود که مهر کتاب را گشود و مکاشفه آنچه باید در این روزهای آخر رخ دهد را به یوحنا عطا کرد. دانیال در قرعه خود ایستاد تا شهادت خویش را ادا کند؛ شهادتی که تا زمان پایان مهر شده بود، هنگامی که پیام فرشته نخستین می‌بایست به جهان ما اعلام شود. این امور در این روزهای آخر اهمیتی بی‌نهایت دارند، اما در حالی که «بسیاری پاک شده، سفید گردیده و آزموده خواهند شد»، «شریران شرارت خواهند کرد و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید.» Manuscript Releases، جلد ۱۸، صفحات ۱۴ و ۱۵.

کار عیسی به عنوان شیر قبیله یهودا اهمیتی بی‌نهایت دارد، اما "هیچ‌یک" از "شریران نخواهند فهمید" کار او یا پیام مهرگشوده را.

و گفت: برو به راه خود، ای دانیال؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده‌اند. بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند گردید و آزموده خواهند شد؛ اما شریران بدکاری خواهند کرد، و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ اما دانایان خواهند فهمید. دانیال ۱۳: ۹، ۱۰.

فرایند آزمون با سه مرحله نشان داده می‌شود: «پاک گردیده، سفید گردیده و آزموده». این سه مرحله نمایانگر سه مرحله «بشارتِ جاودان» هستند که در پیام فرشته اول چنین بیان شده است: از خدا بترسید (پاک گردیده)، او را جلال دهید (سفید گردیده)، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است (آزموده). آن سه مرحله همان «حقیقت» اند؛ حقیقتی که با حرف نخست، سیزدهم و آخر الفبای عبری نمایانده می‌شود، و هنگامی که آن حروف به همان ترتیب کنار هم قرار می‌گیرند، واژه عبری «حقیقت» شکل می‌گیرد.

آن سه گام همان «راه» هستند، زیرا به گفته آساف در مزمور ۷۷:۱۳، راه خدا در قدس گاه است؛ همان‌جا که در صحن آن، گناهکار با ریختن خون تطهیر می‌شود. پس از آن، خون به قدس برده می‌شود که نمایانگر تقدیس است، یعنی فرایند «سفید شدن».

و یکی از مشایخ در پاسخ به من گفت: این کسان که جامه‌های سفید بر تن دارند کیانند و از کجا آمده‌اند؟ و من به او گفتم: ای آقا، تو می‌دانی. او به من گفت: اینان کسانی هستند که از مصیبت عظیم بیرون آمده‌اند و جامه‌های خود را شسته و آنها را در خون بره سفید کرده‌اند. مکاشفه ۷:۱۳، ۱۴.

گناهکار عادل‌شمرده و تقدیس‌شده آنگاه آماده می‌شود تا در داوری‌ای که قدس‌الاقداص نمایانگر آن است «محاکمه» شود. عیسی «راه»، «راستی» و «حیات» است. راه آغاز است، راستی میانه است و حیات پایان است. اگر به وسیله گام نخست تطهیر شویم، در راه هستیم که همان راه عادل‌شمردگان است.

اما راه درستکاران مانند نور تابان است که هرچه بیشتر می‌درخشد تا روز کامل. امثال ۴:۱۸ مرحله دوم، تجلی عدالت است که به وسیله حقیقت او تحقق می‌یابد، زیرا کلام او حقیقت است.

ایشان را در راستی تو تقدیس کن؛ کلام تو راستی است. یوحنا ۱۷:۱۷

گام نخست نمایانگر عادل‌شمرده‌شدگان است و گام دوم نمایانگر تقدیس‌شدگان. دو گام نخست کسانی را که عادل‌شمرده شده و تقدیس شده‌اند آماده می‌کنند تا وارد داوری شوند و حیات جاودان را دریافت کنند. عیسی راه و راستی و حیات است.

پارسایی درون را پارسایی بیرون گواهی می‌دهد. آن‌که در درون پارساست، سنگدل و بی‌عاطفه نیست، بلکه روزبه‌روز به شباهت مسیح رشد می‌کند و از قوتی به قوتی دیگر پیش می‌رود. آن‌که به وسیله حقیقت تقدیس می‌شود، خویش‌ن‌دار خواهد بود و در رد پای مسیح گام برخواهد داشت تا زمانی که فیض در جلال محو گردد. پارسایی‌ای که به موجب آن عادل‌شمرده می‌شویم، به حساب گذاشته می‌شود؛ و پارسایی‌ای که به موجب آن تقدیس می‌شویم، عطا می‌شود. اولی سند ورود ما به آسمان است، دومی شایستگی ما برای آسمان. Review and Herald، 4 ژوئن 1895.

فصل‌های چهاردهم تا هفدهم انجیل یوحنا بارها به مسئله واکنش شاگردان هنگامی می‌پردازد که مسیح آنان را ترک می‌کند تا نزد پدر خود برود. او وعده می‌دهد که بازخواهد گشت، و می‌دانست (هرچند شاگردان نمی‌دانستند) که بحران نزدیک‌الوقوع سرخوردگی عمیقی به بار خواهد آورد. در جای‌جای این چهار فصل، روح‌القدس به عنوان «تسلی‌دهنده» معرفی و تعریف می‌شود. این واژه در انجیل یوحنا چهار بار درباره روح‌القدس به صورت «تسلی‌دهنده» آمده است و یک‌بار نیز در رساله اول یوحنا؛ اما در آنجا به «مدافع» ترجمه شده است. این واژه در جای دیگری از عهد جدید به کار نرفته است.

در عهد عتیق واژه‌ای عبری هست که در جامعه باب چهار آیه یک و در مراثی باب یک آیات ۹ و ۱۶ به «تسلی‌دهنده» ترجمه شده است. هر سه مورد یادشده نشان می‌دهند که ستمگران بر قوم خدا ستم روا داشته‌اند و آنان در رنج و نومیدی‌ای که گرفتار آن‌اند، تسلی‌دهنده‌ای ندارند تا از ایشان حمایت کند.

معرفی روح‌القدس به‌عنوان «تسلی‌دهنده» در فرازی آمده که عیسی می‌کوشد شاگردان را برای ناامیدی بزرگی که تنها چند ساعت در پیش است آماده کند. در همان سیاق تأکید می‌کند که حتی در نبود او، روح‌القدس حاضر خواهد بود تا آنان را تسلی دهد. عیسی با معرفی روح‌القدس در مقام «تسلی‌دهنده»، ویژگی‌های کاری را که تسلی‌دهنده به انجام خواهد رساند مشخص می‌کند.

اشارات مکرر عیسی به رفتن و بازگشتش، همان موضوع را از نظر مضمون اصلی این بخش در صدر فهرست قرار می‌دهد.

یوحنا ۱۴:۴-۱۸، ۱۹، ۲۸؛ ۱۶:۵-۷، ۱۰، ۲۸؛ ۱۷:۱۱-۱۳ آیاتی هستند که مستقیماً به زمان تأخیر در مثل ده باکره می‌پردازند. به‌همراه آیات پیشین، قطعه‌ی زیر آمده است که با تکرار بر زمان تأخیر تأکید می‌کند، زیرا «خداوند چیزهایی را که اهمیت چندانی ندارند تکرار نمی‌کند.»

اندکی دیگر، و مرا نخواهید دید؛ و باز، اندکی دیگر، و مرا خواهید دید، زیرا نزد پدر می‌روم. آنگاه بعضی از شاگردانش در میان خود گفتند: این چیست که به ما می‌گوید: «اندکی دیگر، و مرا نخواهید دید؛ و باز، اندکی دیگر، و مرا خواهید دید»، و «زیرا نزد پدر می‌روم»؟ پس گفتند: این «اندکی دیگر» که می‌گوید چیست؟ نمی‌فهمیم چه می‌گوید. عیسی، چون دانست که می‌خواهند از او بپرسند، به ایشان گفت: آیا در میان خود درباره‌ی سخنی که گفتم گفت‌وگو می‌کنید: «اندکی دیگر، و مرا نخواهید دید؛ و باز، اندکی دیگر، و مرا خواهید دید»؟ به راستی، به راستی به شما می‌گویم، شما خواهید گریست و زاری خواهید کرد، اما جهان شادمان خواهد شد؛ شما اندوهگین خواهید شد، اما اندوه شما به شادی بدل خواهد شد. زن، هنگام درِ زایمان، رنج می‌برد، زیرا ساعتش فرا رسیده است؛ اما چون کودک را به دنیا آورد، دیگر رنج را به یاد نمی‌آورد، زیرا از شادی این‌که انسانی به جهان آمده است. و شما نیز اکنون اندوه دارید؛ اما باز شما را خواهم دید و دل‌تان شاد خواهد شد، و شادی شما را هیچ‌کس از شما نخواهد گرفت. یوحنا ۱۶:۱۶-۲۲.

حداقل بیست‌ویک آیه در فصل‌های چهاردهم تا هفدهم، دوره‌ای از زمان را مشخص می‌کنند که در آن شاگردان باید برای بازگشت مسیح انتظار می‌کشیدند. این دوره با مرگ مسیح آغاز می‌شد و تا بازگشت او از نزد پدرش ادامه می‌یافت. زمانی که آنان باید برای بازگشت او منتظر می‌ماندند، نماد دوره‌ی درنگ در مثل ده باکره است. همان‌گونه که در روایت لوقا از شاگردان عمانوس می‌بینیم، سرخوردگی ناشی از صلیب به‌طور نبوی آغاز دوره‌ی درنگی را که پس از نخستین سرخوردگی می‌آید، نمونه‌وار نشان می‌دهد.

در بخش نخست‌نخستین کتاب مقدس، روایت آفرینش را می‌یابیم و سه شخص سه‌گانه‌ی آسمانی را می‌شناسیم. در بخش آخرین کتاب مقدس، سه شخص سه‌گانه‌ی آسمانی را می‌یابیم. در چهار بابی که مورد نظر ماست، سه شخص سه‌گانه‌ی آسمانی را می‌یابیم. شناختن این واقعیت به ما امکان می‌دهد که چهار باب یوحنا را بر خط نبوی سفر پیدایش، از باب یک آیه یک تا باب دو آیه سه، و بر سفر مکاشفه، باب یک آیات یک تا یازده، منطبق کنیم.

در آن بخش، عیسی به توما می‌گوید که اگر کسی عیسی را دیده باشد، پدر را دیده است. آن بخش همچنین بیان می‌کند که مسیح همان کسی است که با حضور خود شاگردان را تسلی می‌داد، اما وقتی او برود، "تسلی‌دهنده‌ای دیگر" خواهد فرستاد. روح‌القدس تسلی‌دهنده است، اما مسیح نیز تسلی‌دهنده بود.

اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید؛ و از این پس او را می‌شناسید و او را دیده‌اید. فیلیپ به او گفت: خداوندا، پدر را به ما نشان بده و برای ما کافی است. عیسی به او گفت: این همه مدت با شما بوده‌ام و هنوز مرا نشناخته‌ای، فیلیپ؟ هر که مرا دیده است، پدر را دیده است؛ پس چگونه می‌گویی: «پدر را به ما نشان بده»؟ یوحنا ۷:۱۴-۹.

توماس نماینده آن دسته از ادونتیست‌هاست که با وجود اینکه احتمالاً بارها و بارها گواهی‌هایی را که آن حقیقت را تأیید می‌کنند خوانده‌اند، گواهی رابطه سه‌گانه آسمانی را نادیده می‌گیرند.

و من از پدر درخواست خواهم کرد و او تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما خواهد داد تا همیشه با شما بماند؛ همان روح راستی؛ که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد، زیرا او را نه می‌بیند و نه می‌شناسد؛ اما شما او را می‌شناسید، زیرا با شما ساکن است و در شما خواهد بود. شما را یتیم نخواهم گذاشت؛ نزد شما می‌آیم. اندکی دیگر و جهان دیگر مرا نخواهد دید؛ اما شما مرا خواهید دید، زیرا من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست. یوحنا ۱۶:۱۴-۱۹.

اگر عیسی را دیده‌ایم، پدر را دیده‌ایم. عیسی «تسلی‌دهنده» است و روح‌القدس «تسلی‌دهنده‌ای دیگر» است. اگر عیسی را دیده‌ایم، پدر را دیده‌ایم و تسلی‌دهنده را نیز دیده‌ایم. از پنج باری که واژه «تسلی‌دهنده» در کتاب مقدس به کار رفته، همگی را رسول یوحنا به کار برده است. در مورد پنجم، این واژه به «شفاعت‌کننده» ترجمه شده است.

ای فرزندان کوچک من، این‌ها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. و اگر کسی گناه کند، ما شفיעی نزد پدر داریم، عیسی مسیح عادل. اول یوحنا ۲:۱.

اگر کسی گناه کند، ما تسلی‌دهنده‌ای داریم: عیسی مسیح پارسا. شفیع کسی است که از جانب گناهکار شفاعت می‌کند. پولس کار عیسی را به‌عنوان شفیع ما معرفی می‌کند.

کیست که محکوم کند؟ مسیح است که مرد—بلکه مهم‌تر این‌که از مرگ نیز برخاست—او که به دست راست خداست و نیز برای ما شفاعت می‌کند. رومیان ۸:۳۴

عیسی شفیع گناهکاران است، و این از جمله بدین معناست که او تسلی‌دهنده نیز هست. در همان فصل، پولس پیش‌تر تصریح کرده بود که روح‌القدس نیز برای ما شفاعت می‌کند.

همچنین روح نیز در ناتوانی‌های ما یاری می‌رساند؛ زیرا نمی‌دانیم چنان‌که باید برای چه دعا کنیم، اما خود روح با ناله‌هایی که نمی‌توان به زبان آورد برای ما شفاعت می‌کند. و او که دل‌ها را می‌کاود، می‌داند اندیشه روح چیست، زیرا او برای قدیسان موافق اراده خدا شفاعت می‌کند. رومیان ۸:۲۶، ۲۷.

عیسی و روح‌القدس هر دو به‌عنوان تسلی‌دهنده شناخته می‌شوند و لذا هر دو مدافعانی هستند که برای ما شفاعت می‌کنند. سه شخص سه‌گانه آسمانی همگی در بخشی از انجیل یوحنا که در حال بررسی آن هستیم نمایان‌اند، و هنگامی که این بخش با نخستین گواهی نخستین کتاب مقدس و نخستین گواهی آخرین کتاب مقدس کنار هم قرار می‌گیرد، نور مربوط به رابطه و کار سه شخص الوهیت پر نورتر می‌گردد.

پدر را نمی‌توان با امور زمینی توصیف کرد. پدر تمامی ملء الوهیت را به‌صورت جسمانی داراست و برای دیدگان فانی نامرئی است. پسر، تمامی ملء الوهیت آشکار شده است. کلام خدا او را «نقش ذات او» می‌خواند. «زیرا خدا جهان را چنین محبت نمود که یگانه پسر خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان یابد.» در اینجا شخصیت پدر نشان داده می‌شود.

آن تسلی‌دهنده‌ای که مسیح وعده داد پس از عروجش به آسمان بفرستد، همان روح است که در تمامی کمال الوهیت حضور دارد و قدرت فیض الهی را برای همه کسانی که مسیح را به‌عنوان منجی شخصی می‌پذیرند و به او ایمان می‌آورند آشکار می‌سازد. در سه‌گانه آسمانی سه شخص زنده وجود دارد. به نام این سه قدرت (پدر، پسر و روح‌القدس)، کسانی که مسیح را با ایمانی زنده می‌پذیرند تعمید می‌یابند، و این قدرت‌ها با تابعان مطیع آسمان در کوشش آنان برای زیستن زندگی نو در مسیح همکاری خواهند کرد.

گناهکار چه باید بکند؟ — به مسیح ایمان بیاورد. او متعلق به مسیح است، که به خون پسر خدا خریداری شده است. نجات‌دهنده از رهگذر امتحان و ابتلا، انسان‌ها را از بردگی گناه رهایی بخشید. پس برای نجات از گناه چه باید بکنیم؟ — به خداوند عیسی مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده آمرزنده گناه ایمان بیاوریم. کسی که گناه خود را اعتراف کند و دل خویش را فروتن سازد، آمرزش خواهد یافت. عیسی هم نجات‌دهنده آمرزنده گناه است و هم پسر یگانه خدای نامتناهی. گناهکار آمرزیده‌شده به‌وسیله عیسی مسیح، رهاننده ما از گناه، با خدا آشتی می‌یابد. با ماندن در راه قدوسیت، او مشمول فیض خداست. نجات کامل، شادی و آرامش، و حکمت حقیقی که از جانب خدا می‌آید، به او عطا می‌شود.

ایمان به خون کفاره بخش عیسی مسیح، یقین آمرزش است. مسیح می‌تواند هر گناهی را پاک سازد. اتکای ساده و روزانه بر آن قدرت، به انسان حکمتی تیزبین می‌بخشد تا تشخیص دهد چه چیزی در این ایام آخر، جان را از اسارت گناه نگاه می‌دارد. به‌وسیله ایمان و دعا، از طریق شناخت مسیح، او باید نجات خود را به عمل آورد.

روح‌القدس حقیقت را می‌شناسد و ما را به تمامی حقیقت هدایت می‌کند. خدا پسر یگانه خود را داده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودان یابد. مسیح نجات‌دهنده گناهکار است. مرگ مسیح گناهکار را باز خرید کرده است. این تنها امید ماست. اگر خود را به‌طور کامل تسلیم کنیم و فضایل مسیح را به کار بندیم، جایزه حیات جاودان را خواهیم برد.

"هر که به پسر ایمان دارد، پدر را نیز دارد." کسی که پیوسته به پدر و پسر ایمان دارد، روح‌القدس را نیز دارد. روح‌القدس تسلی‌دهنده اوست، و او هرگز از حقیقت دور نمی‌شود. "مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ مارس ۱۹۰۶.

علاوه بر روشنایی افزوده درباره کار و رابطه سه‌گانه آسمانی، شناسایی این سه‌گانه در این بخش گواهی می‌دهد که این چهار فصل باید با پیامی که اکنون به‌وسیله شیر قبیله یهودا مهرگشایی می‌شود، همسو شوند.

شاهد موجود در داستان شاگردان عمواس، سه گواهی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد نومیدی و دوره‌های انتظاری که پس از صلیب پدید آمد، نمایانگر همان نومیدی و دوره انتظاری است که پس از نخستین نومیدی می‌آید. شاهد دیگری نیز هست که تأیید می‌کند تاریخی که در چهار فصل یوحنا بازنمایی شده، شرایط نخستین نومیدی را نمایندگی می‌کند.

آخرین آیه داستان آفرینش، که نخستین حقیقت ذکرشده در کلام خداست، با سه واژه پایان می‌یابد و هر یک از آن واژه‌ها با یکی از سه حرف سازنده واژه «حقیقت» آغاز می‌شود، و این حروف نیز به ترتیب درست می‌آیند. داستان آفرینش در سفر پیدایش با عبارت «در ابتدا» آغاز می‌شود و با سه واژه «خدا آفرید و ساخت» پایان می‌یابد.

حروف نخست آن سه واژه، وقتی کنار هم قرار گیرند، واژه حقیقت را می‌سازند. روایت آفرینش با «آغاز» شروع می‌شود و با واژه‌ای پایان می‌یابد که به‌طور نمادین با حروفی که آلفا و امگا را نمایندگی می‌کنند نشان داده شده است. همچنین، در بخش آغازین آخرین کتاب کتاب مقدس، عیسی

دو بار به عنوان آلفا و امگا، آغاز و انجام، نخستین و آخرین معرفی می‌شود. آن سه حرف که نماینده آلفا و امگا هستند، شاهد دیگری فراهم می‌آورند که آن بخش در کتاب یوحنا باید با خط پیامبرانه آغاز پیدایش و خط پیامبرانه آغاز مکاشفه کنار هم نهاده شود. آن شهادت در توصیف کار تسلی‌دهنده مشهود است. کار تسلی‌دهنده همان کار سه مرحله‌ای است که با همان سه حرف عبری نشان داده شده است. امضای آلفا و امگا به ما اجازه می‌دهد این چهار فصل را در چارچوب پیام مکاشفه عیسی مسیح قرار دهیم؛ پیامی که درست پیش از پایان یافتن مهلت مهرگشایی می‌شود.

هفت رعد نمایانگر چهار نشانگاه مشخص (نقطه‌هایی در زمان) و سه دوره زمانی مشخص‌اند که با نشانگاه فرود آمدن فرشته‌ای که قرار است زمین را با شکوه خود روشن سازد، آغاز می‌شوند. آن نشانگاه نقطه‌ای در زمان بود. دومین نشانگاه (نقطه‌ای در زمان) نخستین ناامیدی است که دوره زمان تأخیر را آغاز می‌کند. زمان تأخیر به سومین نشانگاه (نقطه‌ای در زمان) می‌انجامد؛ جایی که حقیقتی از مهر گشوده می‌شود و همین امر جنبشی به وجود می‌آورد. آن جنبش در چهارمین نشانگاه (نقطه‌ای در زمان) که به صورت داوری نمایانده شده، پایان می‌یابد. این چهار نشانگاه و آن سه دوره زمانی هر یک نماینده یک رعد هستند و در مجموع هفت رعد را تشکیل می‌دهند. آنها همچنین نمایانگر یک ترکیب چهار-سه هستند.

در مقالات پیشین نشان داده‌ایم که برداشت پیشگامان از هفت کلیسا، هفت مهر و هفت شیپور، به «ترکیب چهار و سه» اذعان دارد. چهار مورد نخست از کلیساهای، مهرها و شیپورها از سه مورد پایانی آنها متمایزند. هفت رعد نمایانگر چهار نشانه راه‌اند، اما در درون آن چهار نشانه راه سه دوره زمانی وجود دارد. ترکیب الهی «چهار و سه» در کتاب مکاشفه بر سه شاهد (کلیساهای، مهرها و شیپورها) استوار است، و آن شاهدان به اعتبار ترکیب «چهار و سه» در هفت رعد کتاب مکاشفه شهادت می‌دهند.

با این حال، در دل سیر تاریخی‌ای که به وسیله هفت رعد بازنمایی شده، خط پنهان و متمایز دیگری از پیشگویی نهفته است که دارای سه نشانه زمانی است که از نماد «هفت رعد» متمایزند. از این رو، وقتی نسبت نبوی هفت رعد را با تاریخ پنهانی که اکنون مهرش گشوده می‌شود در نظر می‌گیریم، درمی‌یابیم که هفت رعد چهار نشانه زمانی (نقاط زمانی) را عرضه می‌کند و تاریخ پنهان سه نشانه زمانی (نقاط زمانی) را. همچون کلیساهای، مهرها، شیپورها و رعدها، تاریخ پنهان سه نشانه زمانی را باز می‌نمایاند که با چهار نشانه زمانی هفت رعد پیوند دارند. تاریخ پنهان همچنین دارای یک ترکیب سه-چهار است.

در تاریخ پنهانی که درون هفت رعد نهفته است، سه نشانه راه متمایز وجود دارد که هر یک «نقطه‌ای در زمان» به شمار می‌آیند، و نخستین و آخرین آن سه نشانه راه نمایانگر یک سرخوردگی هستند. میان نشانه راه نخست و دوم یک «دوره زمانی» مشخص وجود دارد و میان نقطه زمانی دوم و سوم نیز یک «دوره زمانی» مشخص. واژه «disappointment» از مفهوم یک قرار از دست‌رفته شکل گرفته و در تعریف خود بر یک نقطه زمانی تأکید دارد. نیمه شب نیز زمانی مشخص است. این تاریخ پنهان با سه نقطه زمانی که با دو دوره زمانی از هم جدا شده‌اند ترسیم می‌شود؛ زمان درنگ و جنبش، ماه هفتم.

نخستین نشانه راه تاریخ پنهان به یک نومیادی اشاره دارد و آخرین نشانه راه نیز به یک نومیادی اشاره دارد. بنابراین، از نخستین نومیادی تا آخرین نومیادی، یک خط پنهان نبوت وجود دارد که همان سه گامی را دارد که همه خطوط اصلاح دارند. همچنین امضای آلفا و امگا را نیز دارد، زیرا سه حرفی که «truth» را می‌سازند با سه نشانه راهی متناظرند که آغاز و پایان‌شان با نومیادی است. آن تاریخ پنهان در درون هفت رعد، همان حقیقتی است که شیر قبیله یهودا در حال گشودن مهر آن است.

قطعه‌ای از انجیل یوحنا که در حال بررسی آن هستیم، در فصل پیشین با شام آخر معرفی می‌شود و تأکید دارد که پیام این چهار فصل باید خورده شود. این چهار فصل با رفتن به سوی باغ جتسیمانی پایان می‌یابد. روایت در فاصله میان خوردن و آغاز بحران صلیب رخ می‌دهد. از نظر نبوی، زمینه این چهار فصل، آخرین پیامی را که باید پیش از داوری خورده شود، تعریف می‌کند. پیامی که به پایان یافتن داوری می‌انجامد، همان پیامی است که در کتاب مکاشفه، درست پیش از پایان یافتن داوری، مهرش گشوده می‌شود.

شاگردان و عیسی در نقطه‌ای از تاریخ نبوتی هستند که در آن از زمان تأخیر به آنان آگاه می‌شود. در تاریخ جنبش میلری، خداوند دست خود را برداشت تا درک پیام ندای نیمه‌شب پدید آید؛ اما همان درکی که پیام ساموئل اسنو را به وجود آورد، میلری‌ها را نیز آگاه ساخت که آنان در زمان تأخیر ده باکره قرار دارند. شاگردان تازه شام آخر را خورده بودند و در حالی که داشتند پیام را هضم می‌کردند، مسیح در چهار فصل یوحنا زمان تأخیر را توضیح داد.

می‌توان فهم ساموئل اسنو را در قالب مجموعه‌ای از مقالات مستند کرد که فهم نهایی‌ای را پروراند که در قالب پیام «فریاد نیمه‌شب» نمود یافت. هم‌زمان با توسعه این پیام، او آن را در سلسله‌ای از گردهمایی‌های اردوگاهی نیز ارائه کرد. این سلسله مقالات که به گردهمایی‌ها انجامید، در نهایت او را به گردهمایی اردوگاهی اگزر رساند که شش روز به طول انجامید. از نظر نبوی، پیام فریاد نیمه‌شب به تدریج و در طول یک دوره زمانی توسعه می‌یابد. چهار فصل در انجیل یوحنا در همان مقطع از تاریخ نبوی قرار دارند که در آن این پیام در حال شکل‌گیری است.

در چهار باب یوحنا، کار روح‌القدس به صورت سه گام تعریف شده است: ملزم کردن درباره گناه، عدالت و داوری. این سه گام همچنین سه نشانه راه تاریخ پنهانی هستند که در درون هفت تندر نهفته است.

با این همه، حقیقت را به شما می‌گویم؛ برای شما سودمند است که من بروم، زیرا اگر بروم، تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما خواهم فرستاد. و چون بیاید، جهان را درباره گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد ساخت: درباره گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند؛ درباره عدالت، زیرا نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید؛ و درباره داوری، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است. هنوز چیزهای بسیار دارم که به شما بگویم، اما اکنون توان تحمل آنها را ندارید. اما وقتی او، روح حقیقت، بیاید، شما را به تمامی حقیقت هدایت خواهد کرد؛ زیرا از خود سخن نخواهد گفت، بلکه هرچه بشنود همان را خواهد گفت، و آنچه در پیش است به شما اعلام خواهد کرد. او مرا جلال خواهد داد، زیرا از آن من خواهد گرفت و آن را به شما اعلام خواهد کرد. یوحنا ۱۶:۷-۱۴.

در تاریخ میلریتی‌ها، عیسی بازنگشت تا زمان تأخیر را در هنگام فریاد نیمه‌شب به پایان برساند. او دست خود را کنار کشید و روح‌القدس را فرو ریخت یا فرستاد. روح‌القدس که به‌عنوان تسلی‌دهنده شناخته می‌شود، آمد تا آن سرخوردگی را بزدايد. او آمد تا به برگزیدگانی که از سرخوردگی ناشی از ناکام ماندن یک پیشگویی دچار سردرگمی شده بودند، تسلی بدهد.

پیش‌تر اشاره کرده‌ایم که رسول یوحنا، حزقیال و ارمیا همگی در حال خوردن کتابچه‌ای کوچک که در دهان همچون عسل شیرین است به تصویر کشیده شده‌اند. میان آن سه نبی تمایزی عمدی وجود دارد که اغلب نادیده گرفته می‌شود.

حزقیال برای به‌تصویر کشیدن کسانی به‌کار می‌رود که کتابچه کوچک را خوردند و به آنان پیامی داده شده تا آن را به کلیسای مرتد خدا برسانند. حزقیال نشان می‌دهد که آن کتاب خورده شده کاری را که سپس باید به انجام برسد مشخص می‌کند. او نمایانگر پیامی است که به قوم پیش‌تر برگزیده خدا داده

شده است. پیام او همان چیزی است که قوم برگزیده سابق را در دسته‌هایی می‌بندد که برای آتش مقدر شده‌اند. در چهار فصل از یوحنا، عیسی هدف کار حزقیال را مشخص می‌کند.

آن سخنی را که به شما گفتم به یاد داشته باشید: بنده از سرور خود بزرگ‌تر نیست. اگر مرا آزار دادند، شما را نیز آزار خواهند داد؛ اگر کلام مرا نکه داشتند، کلام شما را نیز نکه خواهند داشت. اما همه این کارها را به خاطر نام من با شما خواهند کرد، زیرا فرستنده مرا نمی‌شناسند. اگر نمی‌آدمم و با آنان سخن نمی‌گفتم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون برای گناه خود هیچ عذری ندارند. هر که از من نفرت دارد، از پدر من نیز نفرت دارد. اگر در میان آنان کارهایی را که هیچ‌کس دیگر نکرده بود انجام نداده بودم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون هم دیده‌اند و هم از من و از پدرم نفرت ورزیده‌اند. اما این رخ می‌دهد تا کلامی که در شریعت ایشان نوشته شده به انجام رسد: «بی‌سبب از من نفرت ورزیدند.» ولی چون تسلی‌دهنده بیاید که او را از نزد پدر به سوی شما خواهم فرستاد، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌شود، او درباره من شهادت خواهد داد. یوحنا ۱۵:۲۰-۲۶.

کار حزقیال که با خوردن کتاب آغاز شد، نشان‌دهنده رساندن پیامی است که رد خواهد شد؛ اما همین رد کردن دلیل بر این است که آنان از خدا نفرت دارند و جام مهلت آزمایشی خود را به‌طور کامل پر کرده‌اند.

و به من گفت: ای پسر انسان، تو را نزد بنی‌اسرائیل، نزد قومی سرکش که بر من شوریده‌اند، می‌فرستم؛ ایشان و پدرانشان تا به امروز نیز بر من عصیان ورزیده‌اند. زیرا آنان فرزندان بی‌حیا و سخت‌دل‌اند. من تو را نزد ایشان می‌فرستم؛ و به آنان خواهی گفت: خداوند خدا چنین می‌گوید. و آنان، خواه بشنوند و خواه نشنوند (زیرا خاندان سرکش‌اند)، با این همه خواهند دانست که در میانشان پیامبری بوده است. حزقیال ۳:۳-۵.

کار حزقیال همچون شهادتی بر ضد قوم عهد پیشین بود، همان‌گونه که مسیح در برابر یهودیان جدل‌گر چنین بود؛ و بدین‌سان، پیام حزقیال پیام هشدار نهایی است که قوم عهد پیشین را همچون علف‌های هرز، به‌صورت یک دسته، برای آتش هلاکت به هم می‌بندد.

آنگاه فرشته سوم را دیدم. فرشته همراه من گفت: «کار او هراس‌انگیز است. مأموریتش دهشتناک است. او همان فرشته‌ای است که باید گندم را از زوان برگزیند و گندم را برای انبار غله آسمانی مهر کند یا ببندد. این امور باید همه ذهن و تمام توجه را به خود مشغول سازد.» نوشته‌های اولیه، ۱۱۸.

کاری که با خوردن کتابچه کوچک نمادین شده است، زمانی آغاز می‌شود که فرشته‌ای نیرومند با کتابچه‌ای کوچک در دست فرود می‌آید. در تاریخ فرشته نخست، این رویداد در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ رخ داد، و در تاریخ فرشته سوم، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد. هر دو آن تاریخ‌ها نمایانگر تحقق پیشگویی‌هایی هستند که به اسلام وای دوم و اسلام وای سوم، به ترتیب، مربوط می‌شوند. به همین دلیل است که اشعیا در فصل بیست‌ودوم، هنگامی که بحران «دره رؤیت» را برای فیلادلفیان و لاودیکیان توصیف می‌کند، نشان می‌دهد که لاودیکیان — یعنی قوم برگزیده پروتستانیسم در ۱۸۴۰ و ادونتیس‌ها که در ۲۰۰۱ قوم برگزیده بودند — «در بند تیراندازان» بودند. تیراندازان در نبوت‌های کتاب مقدس نماد اسلام‌اند، و هنگامی که رؤیای اسلام در ۱۸۴۰ و در ۲۰۰۱ تحقق یافت، قوم پیش‌تر برگزیده پیشگویی اسلام را، آن‌گونه که به‌وسیله کسانی که حزقیال نماینده آنان است ارائه شده بود، رد کردند. ایشان همان‌جا و همان‌دم همچون زوان بسته شدند. کار حزقیال برداشتن «پوششی» بود که «گناهشان» را می‌پوشاند، که عیسی آن را به‌عنوان نفرت از خدا توصیف کرده است.

بار دره رؤیا. اکنون تو را چه شده است که یکسره بر بامها برآمده‌ای؟ ای شهری پر از هیاهو، شهری پراشوب، شهری شادمان! کشتگانت به شمشیر کشته نشده‌اند و در نبرد نیز نمرده‌اند. همه حاکمانت با هم گریخته‌اند؛ به دست تیراندازان به بند کشیده شده‌اند. همه آنان که در تو یافت می‌شوند، که از دور گریخته بودند، با هم به بند کشیده شده‌اند. اشعیا ۱: ۲۲-۳

و خدا با آن پسر [اسماعیل] بود؛ و او بزرگ شد و در بیابان ساکن گردید و تیرانداز شد. پیدایش ۲۱:۲۰.

در جایی که مکاشفه‌ای نیست، قوم هلاک می‌شود؛ اما هر که شریعت را پاس می‌دارد، خوشبخت است. امثال ۱۸: ۲۹.

ارمیا نماینده کسانی است که وقتی فرشته نیرومندی فرود آمد که قرار بود زمین را با جلال خود روشن کند، کتاب را خوردند، اما نومیدی ناشی از پیشگویی نافرجام ۱۸۴۳ را تجربه کردند. ارمیا از منظر نبوی بررسی می‌کند که آیا خدا دروغ گفته بود. این ارجاع ارمیا را به حقوق باب دوم پیوند می‌دهد.

بر دیده‌بانی خود می‌ایستم و بر برج جای می‌گیرم و می‌نگرم تا ببینم او با من چه خواهد گفت و چون تویخ شوم چه پاسخ خواهم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکارا بنگار تا رونده آن را بخواند. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد بود. اگرچه درنگ کند، در انتظارش باش؛ زیرا بی‌گمان خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک جان او که سربرافراشته است، در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زنده خواهد بود. حقوق ۱: ۲-۴.

جان به‌عنوان نماد کسانی که شیرینی و نومیدی تلخ را تجربه کردند به کار گرفته شد و نمایانگر کل دوره تاریخی از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود.

و من نزد فرشته رفتم و به او گفتم: طومار کوچک را به من بده. و او به من گفت: آن را بگیر و تمامش را بخور؛ که شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود. و من طومار کوچک را از دست فرشته گرفتم و تمامش را خوردم؛ و در دهانم چون عسل شیرین بود؛ و همین که آن را خوردم، شکم تلخ شد. مکاشفه ۹: ۱۰، ۱۰.

حزقیال نمایانگر کار ارائه پیام نبوی‌ای است که بر قوم برگزیده سابق مهر خاتمه می‌زند، کاری که با فرود آمدن فرشته در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد.

اما تو، ای پسر انسان، آنچه به تو می‌گویم بشنو؛ مانند آن خاندان یاغی سرکشی مکن؛ دهانت را بگشا و آنچه به تو می‌دهم بخور. و چون نگریستم، اینک دستی به سوی من فرستاده شد، و در آن طوماری بود. و آن را پیش رویم گشود، و درون و بیرونش نوشته شده بود؛ و در آن مرثیه‌ها و ماتم و وای نوشته شده بود. و نیز به من گفت: ای پسر انسان، هرچه می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو با خاندان اسرائیل سخن بگو. پس دهانم را گشودم، و او مرا واداشت تا آن طومار را بخورم. و به من گفت: ای پسر انسان، شکم خود را بخوران و اندرون‌ت را از این طوماری که به تو می‌دهم پر ساز. آنگاه آن را خوردم؛ و در دهانم چون عسل شیرین بود. حزقیال ۲: ۳-۳.

ارمیا نمایانگر دوره تاریخی از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا درست پیش از فریاد نیمه‌شب است.

کلامت را یافتم و آن را خوردم؛ و کلام تو برای من شادی و شادمانی دل من شد، زیرا به نام تو خوانده شده‌ام، ای خداوند، خدای لشکرها. در مجلس استهزاگران ننشستم و شادمان نشدم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم سرشار ساخته‌ای. چرا درد من پیوسته است و زخمم علاج‌ناپذیر، که از شفا سر باز می‌زند؟ آیا برای من کاملاً مانند دروغگو و چون آب‌هایی که خشک

می‌شوند خواهی بود؟ پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را باز می‌آورم و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانها را از پست جدا کنی، چونان دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان بازنگرد. و تو را برای این قوم دیواری برنجین و استوار خواهم ساخت؛ آنان با تو خواهند جنگید، اما بر تو غالب نخواهند آمد، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و رهایی بخشم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شریران خواهم رهانید و از چنگ ستمکار بازخواهم خرید. ارمیا ۱۵:۱۶-۲۱.

ارمیا نماینده تاریخ و پیام کنونی ماست. پیام کنونی همان پیام «فریاد نیمه‌شب» است که به تدریج در مقطعی شکل می‌گیرد که قوم خدا، که ارمیا نماینده آنان است، از «خشم» «پر» شده‌اند و می‌پنداشتند «درد» شان «دائمی» خواهد بود و «زخم درمان‌ناپذیر» شان، زخمی که هرگز قرار نبود شفا یابد. آنان از «مجمع ریشخندکنندگان» جدا شده‌اند. دیگر مانند وقتی که نخستین بار کتاب را خوردند و آن مایه «شادمانی» «دل‌شان بود، «شادمانی» نمی‌کنند.

اما برای کسانی که در آن وضعیت‌اند پندی هست. «اگر بازگردی» و نیز «اگر گران‌بها را از پست جدا کنی»، آنگاه خدا به سوی ایشان بازخواهد گشت. در عبری، عبارت «باز تو را بازخواهم آورد» در این فراز بدین معناست که خدا به سوی ایشان بازخواهد گشت، اگر آنان به سوی او بازگردند.

پس خود را تسلیم خدا کنید. در برابر شیطان مقاومت کنید، و از شما خواهد گریخت. به خدا نزدیک شوید، و او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دست‌های خود را پاک کنید؛ و ای دودلان، دل‌های خود را پاک سازید. رنج ببرید، ماتم کنید و بگریید؛ بگذارید خنده‌تان به ماتم و شادی‌تان به اندوه بدل شود. در نظر خداوند خود را فروتن سازید، و او شما را سرافراز خواهد کرد. یعقوب ۴:۷-۱۰.

اگر به خدا تقرب بجویند، او نیز به آنان تقرب خواهد جست. اگر این کارها را انجام دهند، آنگاه «در برابر خداوند خواهند ایستاد» و «دهان» خدا خواهند بود. علاوه بر این، او به ارمیا (به ما) تعلیم می‌دهد که قوم خود را در برابر «شریران» به «دیوار مفرغی حصین» تبدیل خواهد کرد و سپس «دهشتناکان» جنگی بر ضد کسانی که ارمیا نماینده آنان است به راه خواهند انداخت. «شریران» بازنمایی دانیال از «دوشیزگان جاهل» متی هستند. «دهشتناکان» نمایانگر اتحاد سه‌گانه بابل مدرن در خلال بحران قانون یکشنبه هستند.

شهادت‌های سه پیامبر همگی به یک تاریخ واحد می‌پردازند، اما به سه جنبه متفاوت از همان تاریخ اشاره می‌کنند. ارمیا نماینده کسانی است که به‌تازگی نخستین سرخوردگی را تجربه کرده‌اند، اما هنوز به نشانه راه فریاد نیمه‌شب نرسیده‌اند. ما از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ در همین نقطه بوده‌ایم. پرسش این است که آیا بازخواهیم گشت. اگر چنین کنیم، دقیقاً در همان زمانی که ایالات متحده مانند اژدها "سخن می‌گوید"، ما برای خداوند "سخن خواهیم گفت".

تاریخی که ارمیا به تصویر می‌کشد، تاریخ کنونی ماست و همان تاریخی است که سه نشانه پنهان راه درون هفت رعد نمایانگر آن‌اند. همچنین همان تاریخی است که آن بخش در انجیل یوحنا به‌طور نبوی در آن قرار داده شده است، زیرا تأکید آن چهار باب در انجیل یوحنا بر کار روح‌القدس در تسلی دادن ارمیاست؛ ارمیا که می‌پرسد آیا دروغی را باور کرده است و آیا آن پیامی که چنان شیرین می‌نمود، در واقع آب‌های بی‌دوام بوده است.

از این رو ارمیا نمایانگر تاریخ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است؛ زمانی که زمان درنگ آغاز شد و این موضوع با سه‌ونیم روز نمادین پس از آن نشان داده می‌شود. وقتی می‌گویم «نمادین»، منظورم پیشگویی زمانی نیست. می‌گویم که ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ زمانی است که دو شاهد، یعنی کتاب مقدس و روح نبوت، کشته شدند و چنان‌که در کتاب مکاشفه باب یازدهم آمده، اجسادشان برای سه‌ونیم روز در

خیابان رها شدند.

و به دو شاهد خود قدرت خواهم داد، و آنان هزار و دویست و شصت روز، در حالی که پلاس بر تن دارند، نبوت خواهند کرد. این‌ها دو درخت زیتون و دو چراغدان‌اند که در پیشگاه خدای زمین ایستاده‌اند. و اگر کسی بخواهد به آنان آسیب برساند، آتشی از دهانشان بیرون می‌آید و دشمنانشان را می‌بلعد؛ و اگر کسی بخواهد به آنان آسیب برساند، باید به همین شیوه کشته شود. ایشان قدرت دارند آسمان را ببندند تا در روزهای نبوتشان باران نیارد؛ و بر آب‌ها اختیار دارند تا آن‌ها را به خون تبدیل کنند، و هرگاه بخواهند، زمین را با هرگونه بلا بزنند. و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از گودال بی‌انتها برمی‌آید با آنان جنگ خواهد کرد، بر ایشان غالب خواهد شد و ایشان را خواهد کشت. و جسدهایشان در خیابان شهر بزرگ خواهد ماند، شهری که از نظر روحانی سدوم و مصر نامیده می‌شود، جایی که همچنین خداوند ما مصلوب شد. و مردمان و قبایل و زبان‌ها و ملت‌ها سه روز و نیم به جسدهایشان خواهند نگریست و اجازه نخواهند داد جسدهایشان در گورها نهاده شود. و ساکنان زمین از بابت آنان شاد خواهند شد و شادی خواهند کرد و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا این دو نبی ساکنان زمین را عذاب داده بودند. مکاشفه ۱۱:۳-۱۰.

گواهی‌ای که وضعیت ارمیا ارائه می‌کند، در بازه‌ای پس از ناامیدی، اما پیش از فریاد نیمه‌شب قرار دارد. ارمیا لازم بود بازگردد تا بتواند صدای پیام فریاد نیمه‌شب باشد. این، وضعیت امروز ماست. همچنین همان زمینه تاریخی چهار فصل در انجیل یوحناست که در حال بررسی‌شان هستیم، و نیز همان تاریخی است که تاریخ پنهان درون هفت رعد آن را به تصویر می‌کشد.

اگر نور مرتبط با «تسلی‌دهنده» را در گواهی چهارفصلی یوحنا در نظر بگیریم، درمی‌یابیم شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد این روایت درباره ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، ناامیدی و دوره انتظار و درنگ، پیام فریاد نیمه‌شب که مهرش گشوده شده، و داوری قریب‌الوقوع قانون یکشنبه است. این فصل‌ها بر ساختار پیشگویانه تاریخ پنهان استوارند.

اگر قرار است در بحران نزدیک پیش رو دهان خدا باشیم، اکنون کار ما این است که «گرانها را از پست بیرون آوریم»، یا چنان‌که یعقوب همین کار را چنین معرفی می‌کند، باید «دست‌های خود را، ای گناهکاران، پاک کنید؛ و دل‌های خود را، ای دودلان، پاک سازید. محزون شوید و ماتم کنید و بگریید: خنده شما به ماتم و شادی شما به اندوه مبدل شود. در نظر خداوند خود را فروتن سازید، و او شما را سرافراز خواهد کرد» تا در آینده‌ای بسیار نزدیک چون پرچمی برافراشته شوید.

و او برای امت‌ها علمی برافراشته خواهد کرد و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین گرد خواهد آورد. اشعیا ۱۲:۱۱.

در مقاله بعدی بررسی خود از این چهار فصل را به پایان خواهیم رساند.